زن; انقلاب اسلامى و كارآمدى(1)

مهتاب رضاپور

امروزه, اشتغال زنان در ادبيات توسعه جايگاه مهمى يافته است, به اين معنا كه بخش عمده اى از توسعه معطوف به زنان گرديده و ايشان به عنوان نيمى از جمعيت جامعه بشرى, مى بايست در ايجاد توسعه پايدار در زمينه هاى مختلف اجتماعى و اقتصادى, نقش داشته باشند. به اين ترتيب, برنامه هاى توسعه و روند جهانى شدن, زنان را به حضور در اجتماع و بازار كار فراخوانده اند. دعوت زنان به مشاركت و سازندگى در امور اجتماعى, فرهنگى, سياسى و اقتصادى, ترسيم دورنماهايى روشن و پراميد و فراهم شدن امنيت و آرامش اجتماعى پس از دوران جنگ تحميلى, باعث روى آوردن خيل عظيم زنان و دختران مسلمان ايرانى به يكى از اصيل ترين و شريف ترين نيازها و خواسته هاى بشر, يعنى كسب علم شده است. امروزه, تعداد دخترانى كه به دانشگاه ها, مدارس عالى و مدارس علميه روى مىآورند, روز به روز در حال افزايش است. روند پذيرفته شدگان زن در كنكور سراسرى, از سال 1372 سير صعودى پيدا كرده و تا به حال ادامه دارد. در آزمون سراسرى سال 1381, ميزان زنان شركت كننده 62 درصد بود و پيش بينى مى شود در سال 1382 استقبال زنان بيش از اين باشد.(1) اثرات و نتايج اين روند صعودى, در نخستين آزمون ادوارى استخدامى كه در پاييز امسال برگزار گرديد, مشخص شد: ((زنان 64 درصد از شركت كنندگان در اولين آزمون را تشكيل مى دادند و در سه سال آينده, 75 درصد متقاضيان كار در كشور زنان خواهند بود)). (2) و اين در حالى است كه در مورد متقاضيان ورود به مدارس علميه دينى و علاقه مندان به اشتغال در اين زمينه, آمار رسمى منتشر نشده است.

آنچه فرا روى ما قرار دارد, سرنوشت نسل آينده كشور است. اغلب مادران نسل آينده, در شمار زنان تحصيل كرده و فرهيخته هستند و خواهان حضور فعال در جامعه و به عهده گرفتن مسووليت و اشتغال مى باشند. بيشتر زنان تحصيلكرده حوزه و يا دانشگاه, على رغم تفاوت آموزه هايى كه فرا مى گيرند, در اين خواسته با يكديگر مشترك هستند و بلافاصله پس از اتمام تحصيلات خود در مدارس حوزوى يا دانشگاه ها, درصدد برمى آيند تا به گونه اى وارد بازار كار شوند.

اين روند در حالى اتفاق مى افتد كه حدود 24 سال از پيروزى انقلاب اسلامى ايران مى گذرد. انقلابى كه به رهبرى امام خمينى(ره), با هميارى مردم و براى تغيير ساختارهاى فرهنگى آن دوران پا گرفت و با خون شهيدان به ثمر نشست. حضرت امام(ره) نه تنها يك رهبر سياسى و مذهبى, كه يك مصلح و حكيم فرزانه بودند و ديدگاه اصلاحى ايشان, تمامى حوزه ها را در برمى گرفت. اما شايد بتوان ادعا كرد: امام خمينى(ره) در محدوده مسائل زنان, بزرگترين و اساسى ترين تحولات را ايجاد كردند.

انديشه امام(ره) هم تندروىهاى ضد دينى غربگرا و هم كندروىهاى متحجرين را كنترل نمود و الگويى نوين براى زن مسلمان عصر حاضر ارائه كرد. بررسى مبانى برگزيده حضرت امام(ره) در مورد حضور اجتماعى زنان بويژه در زمينه اشتغال, مى تواند ما را در ترسيم الگويى صحيح از خواسته هاى اصيل مبتنى بر آموزه هاى دينى يارى رساند.

امام خمينى(ره) و حضور اجتماعى زنان

اصلى ترين مبانى مورد نظر امام را مى توان در سه محور دسته بندى كرد:

الف. تعريف نسبت بين زن و مرد:

دهه پنجاه در ايران, دهه برخورد افكار و عقايد گوناگون و گاه متضاد در مورد زن بود. عده اى با نام دين, زن را مهجور و فاقد هر گونه حق و حقوقى مى دانستند و گروهى نيز با نام آزادى و تجددخواهى, هر گونه قيد و بند براى زن را غيرضرورى دانسته و لاابالى گرى را ترويج مى كردند. اما حضرت امام(ره) تصويرى جديد از زن مسلمان ايرانى ارائه دادند. از ديدگاه ايشان در اسلام, زن و مرد نسبت تساوى دارند, هر چند كه هر يك احكام خاص خود را دارند: ((اسلام زن ها را در مقابل مردها قرار داده, نسبت با آنها تساوى دارند. البته يك احكام خاص به مرد است كه مناسب با مرد است, يك احكام خاص به زن است, مناسب با زن است. اين, نه اين است كه اسلام نسبت به زن و مرد فرقى گذاشته است.))(3)

زن و مرد حقوقى مشابه با يكديگر دارند, هر دو صاحب اختيار هستند, حق تحصيل, حق مالكيت, حق انتخاب و رإى دادن و رإى گرفتن دارند.(4) در عين حال, براى هر دو محدوديت هايى وجود دارد. هر دو بايد محدوديت هاى شرعى و الهى را رعايت كنند. (5) اين محدوديت ها مانع از فساد و تباهى زن و مرد مى شود و به صلاح خود و جامعه ايشان است(6) و موجب مى شود تا هم زن و هم مرد, رشد طبيعى و سازنده خود را پيدا كنند.(7)

اما شايد زيباترين برداشت حضرت امام, مربوط به بعد مظلوميت انسان, بويژه زنان باشد: تاريخ چند هزار ساله بشر, همواره حكايت از مظالم بيشمارى دارد كه بر نوع بشر رفته است و زن به دليل ويژگى هاى جسمى و روحى كه دارد, در اين تندبادها بيشتر آسيب ديده است. اين امر موجب گشته تا نهضت هاى متعددى از سوى زنان, براى كسب آزادى و برابرى با مردان شكل بگيرد. اغلب اين نحله هاى فكرى, مقصر اصلى را مردان مى دانند و براى حل مشكلات خويش جامعه را به دو قسمت مردانه و زنانه تقسيم مى كنند, زنان را در تقابل و رو در رو با مردان قرار مى دهند و جبران تمامى مظالمى كه بر ايشان رفته است را از جنس مذكر مى خواهند. در فمينيسم نيز ـ كه امروزه به عنوان پيشروترين نهضت زنانه در دنيا شناخته مى شود ـ زن برتر از مرد است و براى احقاق حقوقش بايد با تمام قوا در مقابل مرد بايستد و جامعه ايدهآل آن, جامعه يك جنسيتى و زنانه است. اما حضرت امام(ره) معتقدند كه در نظام طاغوتى زن و مرد هر دو, مورد ظلم و اجحاف قرار مى گيرند: ((شاه نه آزادى به زنان داده است و نه به مردان, ما به همه آزادى خواهيم داد)).(8) بنابر اين, هم زن و هم مرد را دعوت به مبارزه با طاغوت مى كنند. فمينيسم براى جبران مظلوميت زن, مرد را هدف تهاجم خويش قرار داده است, اما حضرت امام, علت اصلى مظلوميت انسان را, كه همان حكومت طاغوت و استثمار است, هدف قرار داده اند. ايشان تمامى انرژى و استعداد نهفته در زنان و همچنين مردان را سمت و سوى طاغوت ستيزى مى دهند.

ب ـ تكليف گرايى:

از منظر حضرت امام, اقدامات انسان دو گونه اند: برخى از سوى پروردگار تعيين شده اند و اوامر و تكاليف الهى هستند. در اين امور نتيجه و عاقبت كار اهميتى نداشته و آنچه كه مهم است, قيام به انجام تكليف است. بعضى ديگر از امور در زمره اين تكاليف نيست, پس بايد نتايج و عاقبت كار و راه رسيدن به آن را سنجيد(9) و در نهايت, بايد نيت و انگيزه هر كارى ((خدا)) باشد.(10) اين نظر حكايت از ديد ويژه امام در انجام وظيفه در مقابل خداوند دارد. ايشان در جاى ديگر مى فرمايند: ((انسان مإمور به وظيفه است, نه نتيجه)).(11) از اين ديدگاه به ((تكليف گرايى)) تعبير مى شود.

تكليف گرايى به معناى توجه به عمل و حركت به سوى آن, به انگيزه انجام اوامر خداوند و كسب رضايت اوست, از اين جهت تكليف گرايى, خود, عمل خاصى نيست, بلكه روش ويژه اى در انجام عمل است. تكليف گرا در انجام همه اقدامات خود, قبل از هر چيز, به محبوب و مبغوض بودن عمل در نظر خداوند و جايگاه آن در حوزه اوامر و نواهى مكتب توجه مى كند و همين نكته محرك اقدام يا ترك اقدام وى مى شود.

چنان كه انگيزه اصلى كه در ((طول)) همه انگيزه ها بود و جوهره حركت امام را تشكيل مى داد, انگيزه ((اداى تكليف الهى و ((انجام وظيفه شرعى)) و ((اطاعت پروردگار)) بود. امام خمينى(ره) تكاليف را ((الطافى الهى)) مى دانستند كه براى تكميل و ترقى فرد و تنظيم جامعه بايد به آنها عمل كرد(12) و آن كه در اين جهاد و تلاش منتفع مى شود, بى شك انسان عامل است; زيرا ((آنچه مسلم است اين است كه اين جولان ها پايان دارد و خداوند تعالى (خود) حفظ كيان اسلام را خواهد نمود)).(13)

مجموعه معيارهاى برگزيده در ديدگاه يك انسان تكليف گرا, گاه عملى را كه از جهت سياسى داراى برد و پيروزى قطعى يا حتى احتمالى نيست, از جهت مكتب و عقيده اش مطلوب و انجام آن را لازم مى داند. به همين سبب, امام خمينى(ره) با توجه به اين ديدگاه, در بعضى از مقاطع حساس, دست به كارهايى مى زدند كه از ديد عرفى و علمى سياست مداران شايسته نمى نمود.

از آثار بسيار مطلوب تكليف گرايى از ديدگاه روانشناختى احساس پيروزى دائم است, چرا كه در اين منظر نفس انجام تكليف, خود نتيجه است. حال اگر نتيجه مورد نظر نيز حاصل شود, پيروزى دو چندان گرديده و اگر نه, پيروزى توفيق انجام تكليف به جاى خود باقى است. اما توفيق انجام وظيفه در پيشگاه خداوند قابل مقايسه با ديگر نتايج و پيروزىها نيست. پس احساس فرح و آرامشى كه نصيب فرد تكليف گرا مى شود, حد و حسابى ندارد و اما نگرانى وقتى است كه انسان به تكليف الهى عمل نكند.(14) پس بايد در مقابل ناملايمات پايدارى كرد و با شرايط تازه به گونه اى برخورد كرد كه اصل وظيفه اهمال نشود, هر چند كه به شخصيت صورى انسان ضربه وارد آيد.(15) و حضرت امام به اين اصل, از آغاز روزهاى مبارزه تا پايان وفادار ماندند.

اهميت اين ديدگاه حضرت امام(ره) در اين است كه بسيارى از زنان شاغل, انگيزه حضور خود در جامعه و كسب و كار را ((انجام وظيفه)) مى دانند. با پايان يافتن دوره تحصيلات در دانشگاه ها يا مدارس علميه, بسيارى از زنان تحصيل كرده احساس مى كنند كه اگر به انجام وظايف مادرى در خانه اكتفا نمايند, از ديگر همسانان خود ـ كه مشغول به كار در خارج از خانه هستند ـ عقب مى مانند و دچار خسران مى شوند.

بى گمان حضور زنان تحصيل كرده با فضيلت, در سازندگى جامعه, علاوه بر آنكه بر آنان تكليف است, زمينه رشد و شكوفايى كشور را نيز فراهم مىآورد. اما در اين هنگام, وظيفه خطير تربيت و پرورش فرزند بر عهده چه كسى خواهد بود؟ شايد بتوان در حوزه هاى مختلف سازندگى كشور جانشينى براى زنان تحصيل كرده يافت, اما مادر, موجودى بى بديل است و بدون شك سرنوشت و آينده هر كشور, در دست فرزندان آن كشور است. اگر در ترتيب وظايف يك زن, مهمترين وظيفه را پرورش و تربيت كودك بدانيم, تنها با قبول ديدگاه ((تكليف گرايى)) است كه يك زن مى تواند بر تمامى جاذبه هاى كار در خارج خانه غلبه كند و على رغم تحصيلات عاليه, در خانه به پرورش كودك خود بپردازد. البته هستند مادران زحمتكشى كه نه براى ((نام)), كه براى كسب ((نان)) و تإمين معيشت منزل, به اجبار خانه را ترك مى كنند و حمايت از اينگونه مادران و فرزندان ايشان را دولت بايد عهده دار شود.

ج ـ مبارزه با شىءوارگى زن:

يكى از اصول اساسى مورد نظر امام خمينى(ره), در مورد حضور زن در صحنه هاى اجتماعى و اقتصادى, ممانعت از ((شىءوارگى)) زن است. شىء وارگى محصول نظام استثمارگر است كه هم زن و هم مرد را مورد سودجويى قرار مى دهد. زن به دليل ويژگى هاى جسمى و قدرتى كه در توليد مثل و فرزندزايى دارد, بيش از مردان, در نظام هاى طاغوتى مورد ستم قرار مى گيرد. زن يا هر انسان ((شىءواره)), كسى است كه از وجود او بهره بردارى شود و به صورت اقتصادى, سياسى يا جنسى مورد استثمار قرار گيرد.

حضرت امام در اين مورد صريحا مى فرمايند: ((ما هرگز اجازه نمى دهيم كه زنان فقط شىء براى مردان و آلت هوسرانى باشند));(16) چرا كه ((اسلام با مفهوم زن شىء شده و به عنوان شىء مخالفت كرده و شرافت و حيثيت وى را به وى باز داده است)).(17) مطابق همين اصل است كه برخوردهاى متفاوت و گاه متضاد امام قابل توجيه مى شود. در سال هاى آغازين دهه چهل و در ابتداى نهضت, مخالفت صريح حضرت امام با حق رإى زنان (اشاره به لايحه دولت اسدالله علم مبنى بر شركت بانوان در انتخابات) و نيز تساوى حقوق زنان و سربازى بردن دختران, برخاسته از همين است, چنانكه ايشان خود مى گويند: ((مگر با چهار تا زن فرستادن به مجلس ترقى حاصل مى شود؟ مگر مردها كه تا حالا بودند, ترقى براى شما درست كردند تا زنهايتان ترقى درست كنند؟... ما با ترقى زنان مخالف نيستيم, با اين فحشا مخالفيم, با اين كارهاى غلط مخالفيم.))(18)

اما پس از پيروزى انقلاب و تغيير شرايط اجتماعى, از آنجا كه حضرت امام زمينه را براى رشد و حضور سازنده زنان آماده مى بينند, خواستار حضور فعال آنان در صحنه هاى مختلف مى شوند:

((شما هم (زنان) بايد رإى بدهيد, شما هم با سايرين فرقى نداريد, بلكه شما مقدميد بر مردها)).(19)

زن و كار در منظر امام خمينى(ره)

بررسى تاريخ صدر اسلام, نشان مى دهد كه زنان به فراخور نيازهاى آن دوران, به كسب و كار مشغول بوده اند. برخى محققين مشاغلى كه زنان در دوره اوليه ظهور و گسترش اسلام, بدان مى پرداخته اند را, حدود 30 مورد بر شمرده اند. تعدادى از اين مشاغل عبارتند از: جراحى, طبابت, خياطى, خرازى, رنگرزى, آشپزى و فروش غذا, شيرينى فروشى, آرايشگرى, دباغى, نجارى, سقايى. پس از پيروزى انقلاب, بسيارى سوء تعبيرها از اسلام, موجب شده بود تا اين تصور در جامعه بوجود آيد كه زن حق دخالت در امور اجتماعى و اقتصادى و... و از جمله اشتغال را ندارد. بيگانگان غربى و نيز غربزدگان و ناآشنايان با اسلام اصيل در داخل كشور, رژيم جمهورى اسلامى را چيزى شبيه آنچه كه در عربستان وجود دارد, مى پنداشتند.(20) متحجرين نيز از اين ديدگاه استقبال مى كردند. اما حضرت امام(ره), خط بطلان بر اين عقايد باطل كشيدند و فرمودند: ((زن همان حقوقى را دارد كه مرد دارد, حق تحصيل, حق كار, حق مالكيت.. . در تمامى جهاتى كه مرد حق دارد, زن هم حق دارد.))(21) و ((شغل صحيح براى زن هيچ مانعى ندارد.))(22)

حضرت امام, زن را در انتخاب شغل و كار كردن و كسب مال حلال آزاد مى دانند: ((از غرب بالاتر است اين مسائلى كه براى زن ها ما قايل هستيم... تمام معاملاتشان به اختيار خودشان هست و آزاد هستند, اختيار شغل را, آزاد هستند)).(23) ايشان زنان را دعوت مى كنند تا دوشادوش مردان به ترميم خرابى ها و سازندگى بپردازند: ((زنان شيردل و متعهد, همدوش مردان عزيز به ساختن ايران عزيز پرداخته, چنانكه به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته اند)).(24) حتى در جايى كه عزت و سربلندى اسلام و كشور مطرح مى شود, امام حضور زنان را در صحنه هاى مختلف اجتماعى, سياسى و اقتصادى, واجب و تكليف شرعى مى دانند: (اين كشور) وقتى به حسب واقع جمهورى اسلامى مى شود كه شما خانم ها به وظيفه تان عمل كنيد و اين آقايان هم به وظيفه شان و همه ما خودمان را وظيفه دار و مكلف بدانيم.))(25)

پس از تبيين و تفسير امام (ره) از حقوق و اختيارات زن در زمينه اشتغال, زمينه براى حضور فعال و سازنده زن در نظام اسلامى فراهم شد. اما هم متحجرين و هم روشنفكران غربزده, تعارف جديد را بر نمى تابيدند و به نوعى با آن به مخالفت پرداختند. در اين مرحله, امام به تعديل نظرات مختلف مى پردازند. مخاطبين امام در اينجا همگان هستند, بويژه آنان كه نظرشان هماهنگ با امام نيست: ((آنهايى كه كارشكنى مى كنند(اشاره به كسانى كه به بهانه هاى مختلف با فعاليت هاى اجتماعى زنان مخالفت مى كردند), اگر مسلمان هستند, اين خدمت بزرگى كه اين خانم ها و اين بانوان دارند مى كنند و پيش خدا خدمت شايسته است, از معاصى كبيره است كه كارشكنى در اين موضوع بكنند و اگر چنانچه آنها هستند كه پايبند به اسلام نيستند و مى خواهند هرزگى بكنند, فصل هرزگى گذشت, ديگر به شما اجازه نمى دهند بانوان ايران كه كارهايى كه سابق مى كرديد, اين كارها را اعاده بدهيد.))(26)

حضرت امام با فروتنى از فعاليت هاى سازنده زنان مسلمان ايران تشكر مى كنند و بذر اميد و دلگرمى را در دل زنان مسلمان ايرانى مى كارند: ((و شما بحمدالله زحمت كشيديد, رنج برديد و در همه مراحل پايدارى كرديد و بانوان ايران در همه جا فعاليت كردند, چه فعاليت هاى فرهنگى و چه فعاليت هاى اقتصادى; كه قشر كثيرى از آنها در كشاورزى دخالت دارند و قشر كثيرى از آنها در صنعت دخالت دارند و قشر كثيرى در فرهنگ و ادب و علم و هنر. و همه اينها پيش خداى تبارك و تعالى مشكور است و شماها مورد عنايت حق تعالى ان شإالله هستيد و مادامى كه به تعهد باقى باشيد, خداى تبارك و تعالى شما را نصرت مى كند.))(27)

آنچه را كه تئورىهاى خشك و مادى ((توسعه)) با بايدها و نبايدها و اگرها و شايدها بر زنان تحميل مى كنند, متضمن سعادت حتمى ايشان در دنيا نمى باشد و به همين سبب, در بسيارى از كشورها, حركت به سمت توسعه با سختى و كندى صورت مى گيرد. در حالى كه مبانى مستحكم دينى و اخلاقى حضرت امام, امكان پى ريزى بهترين زير ساخت ساخت هاى توسع را فراهم مىآورد. توسعه اى كه براى گسترش استعدادهاى انسان و رشد و فلاح وى برنامه ريزى مى كند. هر چند كه اين توسعه به خودى خود, توسعه اقتصادى و مادى را نيز به دنبال مىآورد. در اين منظر زن يا مرد بودن ملاك نيست, ملاك عمل به وظيفه است و هركه مومن تر بود, او جلودار مى شود: ((من وقتى كه در تلويزيون مى بينم اين بانوان محترم را كه اشتغال دارند به همراهى كردن و پشتيبانى كردن از لشكر و از قواى مسلح, ارزشى براى آنها در دلم احساس مى كنم كه براى كس ديگرى نمى توانم اين طور ارزش قائل بشوم. آنها كارهايى كه مى كنند, يك كارهايى است كه دنبالش توقع اين كه يك مقامى داشته باشند يا يك پستى را اشغال كنند يا يك چيزى را از مردم خواهش كنند, هيچ اين مسائل نيست, بلكه سربازان گمنامى هستند كه در جبهه ها بايد گفت مشغول به جهاد هستند... و ما بايد قدر اين نعمت را بدانيم و اقتدا كنيم به اين زن ها و بانوان و بچه هاى پشت جبهه و آنهايى كه در خود شهرهاى مخروبه, نيمه مخروبه حاضرند. ما بايد از اينها اخلاق اسلامى و ايمان و توجه به خدا را ياد بگيريم.))(28)

امام (ره) و شرط توسعه

از نظريات امام(ره) چنين بر مىآيد كه زن حق حضور در تمامى صحنه هاى اجتماع, فعاليت و اشتغال را دارد. از سوى ديگر, نظام نوپاى جمهورى اسلامى, هنوز براى ساختن خرابى هاى دوران ستم شاهى به درستى قد علم نكرده بود كه شياطين, جنگ, خرابى و ويرانى را برايش تدارك ديدند. اداره هشت سال دفاع, يكه و تنها در مقابل دشمنى كه از جانب تمامى ابرقدرت هاى جهان تإمين مى شد و پس از آن لزوم ساختن خرابه ها و ويرانه هاى حاصل از جنگ, شرايط را براى حضور اجتماعى زنان هر چه بيشتر آماده مى كند. اما بايد توجه داشت كه ديدگاه حضرت امام, عرصه فعاليت انسان اعم از زن و مرد را, محدود به حدود الهى و شرعى مى داند تا بدين وسيله سلامت جامعه و امكان توسعه كشور فراهم شود. هر جا سخن از حضور زن در جامعه و اشتغال وى است, امام خمينى(ره) تإكيد مى نمايند كه: ((امروز بايد خانم ها وظايف اجتماعى و وظايف دينى خودشان را عمل بكنند و عفت عمومى را حفظ بكنند و روى آن عفت عمومى, كارهاى اجتماعى و سياسى را انجام بدهند)).(29) شرط اصلى, پرهيز از شىءوارگى زن و رعايت حدود شرع و علت حضور, انجام تكليف و وظيفه است.

مهم ترين تكليف

وقتى صحبت از تكليف به ميان مىآيد, منظور محدوده وسيعى از وظايفى است كه بر عهده انسان مى باشد. آدمى در مقابل خالق, خانواده, اقوام, همشهريان, هموطنان و هم دينان خود و در نهايت, در مقابل همنوعان خود, وظايف متعددى را بر عهده دارد كه كسب و كار, تنها محدوده بسيار كوچكى از آن را در بر مى گيرد. در نهاد خانواده, بنا بر قوانين اسلامى, تإمين نيازهاى خانواده بر عهده مرد مى باشد و مرد مكلف است براى رفع نيازهاى معقول و منطقى خانواده خود تلاش كند. اما زن در اين زمينه هيچ مسووليتى بر عهده ندارد.(30) در مقابل, اسلام وظيفه حمل و زايش و نگهدارى و تربيت فرزند را بر عهده زن نهاده است. حضرت امام نيز مى فرمايند: ((شغل تربيت فرزند از همه شغل ها بالاتر است.))(31)

در اينجا مقصود از سخن, چگونگى تربيت كودك نيست, بلكه نفس ((تربيت كردن)) مورد نظر است. نه ماه همراهى كودك و مادر با هم و سپس وابستگى شديد كودك به مادر براى غذا و مراقبت به همراه مهر و عطوفت مادر, موجب مى شود تا مادر جايگاه ويژه اى در تربيت كودك و شكل گيرى شخصيت وى داشته باشد. انسان هاى بزرگ پرورش يافته دامان مادران بزرگ هستند. تاريخ گواهى مى دهد كه پيامبران اولوالعزم الهى همچون ابراهيم, موسى و عيسى(عليهم السلام) و حضرت محمد(صلى الله عليه و آله) همه از نعمت وجود مادر و تربيت در دامان وى بهره مند بوده اند.

امام خمينى(ره) همانند ديگر رهبران سياسى جهان, قصد دادن شعار و جلب آرإ و افكار را نداشتند, براى جلب رضاى خداوند سخن مى گفتند و در مسير اجراى دستورات الهى گام بر مى داشتند. انقلاب اسلامى ايران در سال 1357, نه براى رسيدن به وضعيت مادى و اقتصادى بهتر, كه براى كسب عزت و شرافت و كرامت مردمانى بود كه سال ها زير يوغ چكمه هاى ستمگران تاريخ لگدكوب شده بودند. پرورش نسلى كريم و شريف نيازمند وجود مادرانى فاضل و فرهيخته است و امام در جاىجاى كلام خويش, اولا بر خلاف تمامى جريان هاى روشنفكرى آن روز (كه شعار آزادى زنان و رهايى ايشان از قيود همسرى و مادرى را مى دادند), بر نقش ((مادرى)) زن تإكيد كردند و دوم آن كه ابعاد اين مقام را روشن ساختند.

امام خمينى(ره) در مقايسه بين نقش قرآن و مادر مى فرمايند: ((قرآن كريم انسان ساز است و زنان نيز انسان ساز)).(32) ايشان وظيفه مادر را با انبياى الهى يكى دانسته و سعادت و شقاوت ملت, كشور و دين را در گرو تربيت مادران مى شمارند: ((خداوند شما را حفظ كند و شما را براى تربيت انسانها كه شغل انبياست, حفظ كند)).(33) و ((اگر يك بچه خوب تربيت كنيد, ممكن است كه سعادت يك ملت را همان يك بچه تإمين كند. اگر يك بچه بد هم خداى نخواسته در دامن شما بزرگ بشود, ممكن است كه يك فساد در جامعه پيدا بشود.))(34)

در سختى ها و تنگناها, در اوج درد و رنج, اولين پناهگاه كودك, مادر است. ((مادرى كه بچه اش گرفتارى دارد و مى خواهد او را نجات دهد, آن قدرى كه الطاف اين مادر او را آرام مى كند, مداوا, آن قدر تإثير در او ندارد, اين الان احتياج به اين دارد كه روحش آرام بشود, مادر اين را آرامش مى دهد)).(35) گويى مادران برگزيدگان خدايند در ميان كودكان تا با هر لقمه اى كه بر دهان ايشان مى گذارند, جان آنان را با دين حق و روحشان را با سكينه آشنا سازند. ((تجسم عطوفت و رحمت در ديدگان نورانى مادر, بارقه رحمت و عطوفت رب العالمين است. خداوند تبارك و تعالى قلب و جان مادر را با نور رحمت ربوبيت خود آميخته, آن گونه كه وصف آن را كس نتوان كرد و به شناخت كسى جز مادران در نيايد.))(36)

انقلاب سفيد و مادران سياه

در دوران رژيم پهلوى, پس از ماجراى كشف حجاب 17 دى 1314, برنامه ريزى به گونه اى مى شد تا زنان بى حجاب به عنوان مظاهر تمدن و تجدد رژيم شاهنشاهى, هر چه بيشتر در مجالس و مجامع و ادارات حاضر شوند و در معرض ديد قرار گيرند. سمت و سوى تبليغات رژيم, زنان بى حجاب و شاغل را ((زنان برتر)) معرفى مى كرد و در عوض, نگهدارى و مراقبت و پرورش كودك را امرى سهل و پيش پا افتاده مى نمود كه مى توان آن را با خيال راحت به مهدهاى كودك سپرد.

زنان نيروى كار ارزان و فرمانبردارى هستند كه راحت تر از مردان مى توان از آنان كار كشيد و هم از جاذبه هاى ويژه آنان به رايگان بهره برد. پس از ((انقلاب سفيد)) شاه, تبليغات با كم بها كردن وظايف زن در نهاد خانواده و بى ارزش دانستن وظايف مادرى, چهره اى سياه از زن و مادر خانه دار به تصوير كشيدند. بيشتر مادران جوان مايل بودند به جاى قبول مسووليت در خانه و خانواده به جامعه باز و آزاد آن روز وارد شوند و تجربه هاى جديدى در زمينه اشتغال و استقلال مالى كسب نمايند. غافل از اينكه شاخه هاى نورس كودك, نيازمند باران محبت و توجه مادر است تا جوانه هاى استعداد و خلاقيت و كمال بر آن شكوفه زند: ((در طول اين سلطنت, اينها كوشش كردند كه مادران را از بچه ها جدا كنند, به مادرها تزريق كردند كه بچه دارى چيزى نيست, شما توى ادارات بياييد. و اينها بچه هاى معصوم را جدا كردند از دامن مادران و بردند در پرورشگاه ها و جاهاى ديگر, و اشخاص اجنبى و غير رحيم آنها را به تربيت فاسد تربيت مى كردند. بچه اى كه از مادرش جدا شد, پيش هر كه باشد, عقده پيدا مى كند. عقده كه پيدا كرد, مبدإ بسيارى از مفاسد مى شود. بسيارى از قتل هايى كه واقع مى شود, از روى همين عقده هايى است كه پيدا مى شود, و بسيارى از عقده ها از اين پيدا مى شود.))(37)

پيروزى انقلاب اسلامى ايران اين مكان را فراهم آورد تا زنان و مادران ايرانى, رويكردى دوباره به شإن و جايگاه مادر در نهاد خانواده داشته باشند. ارزش گذارى الهى حضرت امام(ره) بر نقش مادران در انقلاب و دفاع مقدس هشت ساله و ايثار و شهادت و حماسه هايى كه اين شير زنان در اين دوران آفريدند, شاهدى بر مدعاى ما هستند.

اما امروز... فاصله بين انديشه هاى امام و آرمان مردم در ابتداى انقلاب و وضعيت كنونى ما و توجيه و تفسير آن, بررسى دقيقى را مى طلبد كه در مجالى ديگر خواهد آمد.

پى نوشتها

1. ر.ك: روزنامه جام جم, 81/9/5 و 81/9/23.

2. ر.ك: روزنامه جام جم, 81/9/23, به نقل از رئيس سازمان سنجش و آموزش كشور.

3. جايگاه زن در انديشه امام خمينى(ره), تبيان هشتم, چاپ چهارم, موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى(ره), 1376, تهران, ص60

4. ر.ك: همان, ص 61-60

5. ر.ك: همان, ص 62-61

6. ر.ك: همان, ص 63.

7. ر.ك: همان, ص 70-69

8. همان, ص 87.

9. لوح فشرده صحيفه امام(ره), ج5, ص18.

10. همان, ج2,ص 339.

11. همان, ج2,ص 86.

12. همان, ج3, ص237.

13. همان, ج2,ص 171.

14. همان, ج2,ص 159.

15. همان, ج2,ص 224.

16. تبيان هشتم,ص 86.

17. همان, ص 83.

18. همان, ص 247.

19. همان, ص 68.

20. چنانكه تاريخ نشان داده, نبود يك رهبر مصلح و حكيم در رإس يك نهضت به ظاهر دينى, موجب ظهور رژيمى بدتر از حكومت عربستان خواهد شد. طالبان تا هميشه تاريخ, لكه ننگى بر دامان بشريت خواهند بود.

21. تبيان هشتم, ص 60.

22. همان, ص 135.

23. همان, ص61.

24. همان, ص78. .25 همان, ص71.

26. همان, ص75.

27. همان, ص82.

28. همان, ص217.

29. همان, ص72.

30. هر چند مقتضيات زمان و شرايط عصر حاضر به گونه اى است كه گاه زن و مرد هر دو, بايد براى تإمين معاش تلاش كنند, اما آنچه زن در اين حال انجام مى دهد, حكايت از لطف و همدلى وى با همسر و خانواده اش دارد و نه انجام وظيفه.

31. تبيان هشتم, ص 122.

32. همان, ص119.

33. همان, ص122.

34. همان, ص121.

35. همان, ص 129-128.

36. همان, ص124.

37. همان, ص137-136.